

شکست عملیات «صخره نشکستی» اسرائیل

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۴/۰۸/۱۱/proval-izrailskoj-operacii-nerushimaja-skala-۲۸۹۱۱.html>

۲۹ اسد ۱۳۹۳

اسرائیل با شروع جنگ علیه حماس در نوار غزه در بن بست گرفتار شد. «صخره نشکستی» براحتی در شنزار فرو رفت. اگر کشتار دو هزار نفر مردم غیرنظامی فلسطین و صدها خانه ویرانه شده را معیار پیروزی تلقی نکنیم، هیچیک از اهداف نظامی تعیین شده ارتش اسرائیل، بعقیده کارشناسان، «قدرتمندترین ارتش خاورمیانه» تحقق نیافت. رهبری حماس و فرماندهی واحدهای رزمی آن اساساً آسیب ندیدند، و بهتر است اسرائیلیها اعلامیه های پیش از موقع خود در خصوص نابودسازی کامل این تشکیلات را اصلاً بخاطر نیاورند. بخش قابل ملاحظه توان موشکی حماس، که بخش اعظم قلمرو اسرائیل، حتی فرودگاه «بن گوریون»، فرودگاه اصلی کشور را در حالت تشویش نگاه می دارد، حفظ شده است. فقط شبکه گسترده تونلها، که بمثابة دستگاه گردش خون نوار غزه محسوب می شود، بخشا تخریب شده که احتمالاً بفوریت بازسازی خواهد گردید. ارتش اسرائیل با ورود به اولین منطقه پرجمعیت فلسطین، ناگهان متوقف شد. تا جائیکه حتی بخش اصلی یگانهای زمینی خود را از نوار غزه عقب کشید و در خود اسرائیل خطر بحران جدی دولت به «شکل گوالت» (Gevalt) در مورد آنکه بعد از این چه باید کرد، آغاز شد. تعدادی از وزیران عقده دارند، که، همچنانکه در رابطه با حزب الله در لبنان اتفاق افتاد، باید اعلام پیروزی کرد و برای رسیدن به توافق حتی به قیمت امتیاز دادن کوشش کرد. برخی دیگر، از جمله، آویگدور لیبرمان از جنگ تا پیروزی نهائی طرفداری می کند. نخست وزیر، بنیامین نتانیاهو هنوز مردد است.

یاکوف کادیمی، رئیس سابق سرویس امنیت «بومی»، و تحلیلگر معتبر و مفسر مسائل سیاسی کنونی، پرده از روی رفتار متناقض دولت اسرائیل برداشت. بگفته او، همه مشکل پس از آن شروع شد، که موضوع اشغال کامل غزه و نابودی کامل حماس در جلسه بسته دولت مورد

بحث قرار گرفت. در این جلسه از «چنان ارقام وحشتناکی از تلفات مورد انتظار سخن گفته شد، که وزرا از هراس تا آنجا لال شدند که حتی مسئله رأی گیری در مورد آن را مطرح نکردند. این ارزیابی که تشدید بمباران روحیه رزمی حماس را در هم می شکند، صورت واقعی نیافت. ارتش اسرائیل از کشیده شدن به جنگ خیابانی علنا هراس دارد. ارتش اسرائیل برای درهم شکستن ماشین نظامی حماس، بعقیده بنی گانتس، رئیس ستاد کل، باید همه نوار غزه را پنج سال تمام در اشغال خود داشته باشد.

تونل های متعدد نوار غزه هدیه استراتژیک اصلی برای نظامیان اسرائیل گردیدند. این تونل ها برخلاف افسانه شایع، «با هدف رسیدن به شهرکهای اسرائیلی و انجام عملیات تروریستی» حفر نشده اند، بخصوص اینکه نزدیکترین منطقه مسکونی اسرائیل در فاصله ۷- ۱۰ کیلومتری مرز نوار غزه واقع است و حفر آنها به تجهیزات پیشرفته مترو نیاز دارد. علاوه بر این، طرف اسرائیلی در سرتاسر محیط اطراف باریکه غزه یا مناطق صحرائی ایجاد کرده و یا زمینهای کشاورزی کیبوتصها (تعاونی های کشاورزی. م.) هستند که در آنها تعداد کمی از کارگران مهاجر اساسا تایلندی کار می کنند. تونلهای نوار غزه برای عبور به صحرای سینای مصر و مقابله با دشواریهای محاصره با ابتدائی ترین فن آوریها حفر و تجهیز می شوند. با این حال، بخش عمده تسلیحات و مهمات نظامی حماس نه از طریق تونلها، بلکه، از راه خشکی در دوره شورشهای باصطلاح «بهار عربی» در مصر، از همان راهی که اوباما بعد از «سخنرانی قاهره» خود گشود، به نوار غزه وارد شده است. بنا بر این، اسرائیلیها بخاطر حملات موشکی به شهرهای خود، در وهله اول باید از اوباما سپاسگزار باشند. در ضمن، یگانهای مهندسی ارتش اسرائیل در اصل همان تونل های منتهی به مصر را تخریب نمودند، البته با تأخیر، زیرا، خود قاهره هم اکنون غزه را بدلیل ارتباط حماس با اخوان المسلمین محاصره می کند. اما این مسئله، که بگفته رسانه های جمعی اسرائیل، همه سازمانهای امنیتی کشور شهر زیرزمینی احداث شده در زیر غزه را از نظر دور داشتند، کاملا غیرمنتظره بود.

مسئله این است که در طول سالیان متمادی رویارویی با فلسطینیان، اسرائیلی ها تاکتیکهای بسیار مؤثر جنگ در کوچه های تنگ شهرهای شرقی با خانه های بهم چسبیده و دیوارهای بلند طراحی کردند. مجتمع صنایع نظامی اسرائیل مجموعه فن آوری جنگی مخصوص استفاده در چنین شرایطی را طراحی و تولید کرد. اینها هم عبارتند از قوی ترین بولدوزر زرهی جهان، که از راه کوتاه نرده های بتنی و دیوارهای خانه ها مثل کارد از میان پنیر عبور می کند، «اسلحه خمیده» قادر به شلیک از گوشه و غیره. تجهیزات جاسوسی هوایی و دریائی، رادارهای

زمینی ناظر بر افق قلمرو غزه، هر تحرکی را فوراً ثبت می کنند. جالب اینکه اکنون همه اینها تا حدود زیادی بی فایده از آب درآمده اند. یگانهای فلسطینی مستقر در زیر زمین از نظرها پنهان می مانند و ناگهان در پشت جبهه دشمن در طرف اسرائیل ظاهر می شوند یا مین هایی را در مسیر حرکت زره پوشها می کارند. تونلهای حفر شده بسمت اسرائیل، اساساً به پستهای بازرسی و پادگانها ارتش اسرائیل، واقع در محیط اطراف غزه منتهی می شوند. کارشناس اسرائیلی می نویسد: «تونلها در نوع خود، زیردریائی های زمینی هستند، که در پشت جبهه به عملیات دست می زنند».

یکی از فرماندهان گردانهای عزالدین قسام، ابو لیث می گوید، که حماس درسهای جنگ «سرب گداخته»- جنگ قبلی ارتش اسرائیل را بخوبی فراگرفت. همان وقت، در سال ۲۰۰۸، زیر فشار نیروی هوایی اسرائیل تصمیم استراتژیک- انجام عملیات در زیر زمین- اتخاذ گردید. موشکها از پناهگاههای ویژه بکمک زمان سنج (تایمر) شلیک می شوند. بگفته ابو لیث، برای گریز از خیانت، اکثریت رزمندگان حماس، که در حدود ۳۰ هزار نفر برآورد می شود، همدیگر را نمی شناسند. رزمندگان بصورت گروههای کوچک سازماندهی شده اند، و اکثریت آنها فقط اعضای گروه و فرمانده بلافصل خود را می شناسند. فقط افراد برجسته ای مانند محمد دیف بسیار شناخته شده هستند. این هم کار سازمانهای اطلاعاتی اسرائیل را دشوار می کند، حتی اگر در یک گروه خائنی پید شود، نمی تواند به گروههای دیگر خیانت بکند. و مجموعاً چند مهندس طراح شبکه زیرزمینی نقشه مخفی را در اختیار دارند و تقریباً می دانند چند تونل حفر شده و به کجا منتهی می شوند. به این ترتیب، اغلب تونلهای منتهی به خارج از محدوده غزه تا لحظه آخر «ناشناخته» می مانند. بخش نهائی و خروجی آنها هم در آغاز عملیات حفر می شود.

معمولاً این تاکتیک اتخاذی حماس را با تجربه «حزب الله» در لبنان مرتبط می دانند، اما در آنجا در مرحله ابتدائی بود. واقعیت بهره گیری گسترده از این تاکتیک به جنگهای سوریه مربوط می شود که از سوی اپوزیسیون مخالف اسد اغلب اوقات بکار بسته می شود. عملیات حماس رونوشت همین تجربه است. در ضمن، شورشیان سوریه حفر تونلها را با مشورت و تجهیزات حفاری غرب و همچنین اسرائیل شروع کردند. به این ترتیب، روشن است که «هر کس که باد می کارد، طوفان درو می کند». یک سال طول کشید که دمشق روش مقابله با این تاکتیک را کشف کرد. با این حال، صحبت از حل کامل نه تنها این تاکتیک پیچیده جنگی، حتی مسائل مهندسی آن هنوز زود است.

پس تل آویو برای حل این مشکل به چقدر زمان نیاز دارد؟

جای شگفتی نیست که در شرایط پیش آمده، حماس هم در فکر تسلیم نیست و بر خواسته‌های خود برای اعلام آتش بس پافشاری می کند و آنها عبارتند از:

۱- پایان محاصره غزه، بازگشائی همه گذرگاههای مرزی، حرکت و جابجائی آزاد شهروندان و بارها؛

۲- گسترش منطقه ماهیگیری تا ۱۲ مایل؛

۳- برچیدن راهرو امنیتی، که اسرائیل در روند جنگ «صخره نشکستنی» در قسمت داخل مرز با غزه ایجاد کرده است؛

۴- احداث بندر و فرودگاه در غزه؛

۵- بازسازی غزه، تضمین کمکهای بشردوستانه بین المللی؛

۶- برسمیت شناختن دولت خودمختار وحدت ملی فلسطین متشکل از حماس و فتح؛

۷- اجرای توافقنامه قبلی دایر بر آزادی فلسطینی ها در زندانهای اسرائیل (مرحله سوم آن پس از تشکیل دولت خودمختار وحدت ملی فلسطین متوقف گردید).

۸- آزادی همه زندانیانی که در جریان عملیات «بازگشت برادران» و «صخره نشکستنی» مجددا زندانی شده اند (اساسا زندانیان مبادله شده با شالیت).

۹- پایان دادن به ترور رهبران فلسطین و عملیات نیروهای ویژه ارتش اسرائیل در قلمرو غزه؛

۱۰- ایجاد راهرو حمل و نقل بین غزه و ساحل غربی رود اردن.

توأم با این، هنوز در روند مذاکرات بین فلسطینیها و اسرائیلی ها برای عادی کردن اوضاع نوار غزه خوش بینی خاصی مشاهده نمی شود. موضوع احداث تأسیسات بندری در آنجا به یکی از موانع اصلی تبدیل شد است. فلسطینی ها آماده اند اجرای پروژه را به ترکیه و یا نروژ محول نمایند. اسرائیل که درست مثل «صخره نشکستنی» با آن مخالفت می کند، بطور ضمنی به یکی دیگر از علل احتمالی درگیر کردن جنگ دیگر در غزه تأکید می کند. تل آویو همچنین

سعی می کند انحصار اکتشاف و استخراج معادن هنگفت گاز طبیعی در شرق دریای مدیترانه را در دست خود نگهدارد و اجازه بهره برداری از این معادن را به فلسطینی ها ندهد. بنظر می رسد، که ذخیره این ماده خام در فلات قاره غزه ممکن است رقیب جدی برنامه اسرائیل باشد و تکان جدی به توسعه اقتصادی مستقل فلسطین بدهد. از میان کشورهای با تجربه در زمینه استخراج گاز، مانند نروژ که احتمال دارد از سواحل فلسطین بهره برداری نماید، البته، که اسرائیل را به تشویش می اندازد. به این ترتیب، مؤسسات بزرگ جدید استخراج گاز در راه حل و فصل مناقشات خاورمیانه پدیدار می شوند.